

## مسئولیت حقوقی

« ۲ »

### اول - مسئولیت مطلق :

در مختصر بحثی که در اطراف تاریخ قانون مسئولیت حقوقی شد اشاره گردید که در اوایل هرکس باعث خسارتی میگردد ملزم پرداخت غرامت بود ولی به مرور مفهوم ارتکاب غلط یا بالاخره عدم احتیاط و یا وجود تسامح پیش آمد و بالتبینه گفته شد تا شخصی غلطی مرتکب نشده باشد و یا تسامح نداشته باشد نباید ملزم پرداخت غرامت بشود.

اخیراً آثاری دیده میشود که قانون را بوضع اول رجعت میدهد یعنی مثل اینکه باز میگوید هرکس موجب خسارتی شد اعم از اینکه در اشتباه بوده یا نه اعم از اینکه تسامح داشته یا خیر باید غرامت بدهد.

از جمله شواهد بارز این تغییر و رجعت قوانین مربوطه بیمه کارگران است : تقریباً در تمام این قوانین موادی است که کارفرما را ملزم بیمه کارگران خود میکنند و در ضمن ذکر میکند که اگر کارفرمایی از بیمه کارگران خودداری کند بر حسب قانون ملزم پرداخت کلیه خسارات خواهد بود.

حال اگر آن قانون بیمه کارگران وجود نداشت کارفرمایی که تمام احتیاطات لازم را برای حفظ و بهبودی کارگر خود کرده بود در ضمن کارگر بعلت تسامح خود و یا تسامح کارگر دیگری خسارت دیده دیگر حق دریافت غرامت از کارفرما را نداشت چون کسی که اشتباه نکرده غرامت هم نباید بدهد.

قانون بیمه کارگران وضع را بمسئولیت مطلق رجعت میدهد یا اقلاً وضع را بشوئی از انواع مسئولیت مطلق شبیه میکند. این نوع مسئولیت مطلق که در قرن بیستم فوق العاده رسم شده از حیث نوع یا مسئولیت مطلق قرون گذشته خیلی فرق دارد. این نوع جدید فرع مسائل و مشکلاتی است که صنعت این قرن ایجاد کرده و اگر غیر از این بود بعده زیادی خسارت دیدگان اساساً غرامت پرداخت نمیشد و بی تردید سلب حق میگردد.

چون اجتماع و نوع تمدن امروز طوری است که مقداری هم تلفات جانی و بدنی ایجاد میکند و باید برای آنها فکری کرد. اما مسئولیت مطلق بیمه کارگران و آثاری که از آن مترتب میشود انواع دیگر نیز دارد و لازم است که آثار و منابع آنها از یکدیگر تشخیص داده شود.

تصور کنیم یک کمپانی سیرک با انواع و اقسام حیوانات درنده و خطرناک وارد

## مسئولیت حقوقی

شهر میشود و تصور کنیم که این حیوانات را در قفسهای آهنین و بسیار محکم بسته باشند و بنحو اکمل بنگاهداری آنها احتیاط شده باشد :

حال این حیوانات ممکن است چندین نوع خسارت بچندین نوع بشخص وارد سازند اول تربیت کننده آنها یعنی کسی که با شلاق وارد قفس آنها میشود مخاطراتی دارد و ممکن است زخمی شود بعد متصدی غذا. و تمیزی آنها و بالاخره تماشاجی ها : حیوانات ممکن است فرار کنند. ممکن است یک تماشاجی را که قدری نزدیک رفته یا پنجه خود که بیش از حد معمول دراز کرده زخمی کند ولی در تمام این مراحل کمپانی و متصدیان آن کمال احتیاط را داشته اند و هیچگونه اتهام تسامح بآنها ممکن نیست بالعکس اتهام تسامح و حتی اثبات آن ممکن است بر علیه شخصیکه متضرر شده وجود داشته باشد. در اینصورت تکلیف چیست ؟

یا تصور کنیم کارخانه گاز شیمیائی بسیار خطرناکی را میسازد و همه کس میدانند که یکنفس استنشاق این گاز شخص را علیل میکند و یا میکشد. کارخانه کمال احتیاط را برای جلوگیری از فرار گاز و وارد کردن خسارت را داشته اما باز کسی بعلت استنشاق گاز علیل شده حال تکلیف چیست ؟

آیا ممکن است ادعا کرد که چون این کارخانه و یا آن شرکت سیرک مشغول کاری هستند که اساساً خطرناک است باید مسئولیت مطلق داشته باشند و یا بعبارۀ آخری هرکس وارد عملی شد که ممکن است مخاطرات غیرعادی را شامل باشد اعم از اشتباه و تسامح مسئول نتایج کار خود است.

و یا کسی از راهی زندگی میکند که مخاطرات فوق العاده را برای دیگران دربر دارد و باید اعم از اشتباه و یا تسامح مسئول نتایج کارش باشد.

این نظریه تا اندازه معقول است اما مشکلی پیش میآید که آیا راندن اتومبیل و یا راندن طیاره در این روزهای قرن بیستم جزئی از اعمال فوق العاده خطرناک است و یا وجه تمایز این اعمال خطرناک و اعمال عادی چیست. اما این وجه تمایز را نمیتوان در این مقاله مختصر تعیین کرد و نه با وضع قانونی مفصل چون هر روز عملیات جدیدی در دنیا پیش آمد میکند و قانون نمیتواند تمام آتیه را پیش بینی کند.

این از آن مواردی است که **مقراض قضاوت** لازم دارد چون نه تنها نمیتوان عملیاتی را که مخاطرات فوق العاده دربردارند پیش بینی کرد. اما در تحت شرایطی عملیات بسیار عادی از جمله عملیات خطرناک میشود مثلاً ممکن است راندن اتومبیل باری به پیچ تهران و شیران بسیار عمل عادی باشد در صورتیکه راندن اتومبیل باری در راه تازه سازی در بالای گردنه و یا برای شرکت مقاطعه کاری که راه را در محل خطرناکی میسازد ممکن است از هر عملی خطرناک تر باشد.

در اینصورت چاره نیست که قانون محاکم بطور کلی اصل مسئولیت مطلق را برای عملیات فوق العاده خطرناک بشناسد اما تشخیص حد فاصل بین عملیات فوق العاده

### مسئولیت حقوقی

خطرناك را با عملیات عادی موكول كند بوضع طرفین دعوی و شرایط در پیش‌آمد های تصادف و خسارت وارده .

در ضمن باید در نظر داشت که وسعت دادن بدامنه مسئولیت مطلق ضررهای فوق‌العاده زیاد برای جامعه دارد و آنرا باید بعملیات فوق‌العاده خطرناك منحصر کرد .

مقصود از مقررات قضایات این است که قضات بمیل و اراده وهوی و هوس و یا بعلل اغراض شخصی عملیات مختلف را در رشته فوق‌العاده خطرناك وارد نکنند و بی دلیل و مورد از آن خارج نکنند .

مثلاً قانون مسکن است ساختن سد را از جمله عملیات فوق‌العاده خطرناك بدانند اما دیگر نمیتواند نسبت باندازه سد چیزی پیش‌بینی کند .

سد آب ممکن است از برگرداندن جوئی شروع شود و تا سد کرخه ترقی کند و در بین این دو هزارها اندازه و نوع و کار هست که قانون گذار حتی از تصور آن عاجز است و بقرض نسبت بسد شاید بتواند تا حدودی پیش‌بینی کند اما بعد نسبت بهزارها نوع عملیات دیگر و شرایط آنها چه میتواند کرد .

این است که بالاخره قاضی فاضل با راهنمایی وکلای مبرز میبایست مسائل اجتماع را حل کند و یا از بین بیدارند .

آنچه گفته شد از نظر یک وکیل و با قاضی و همچنین از نظر علمای اجتماع بلکه پسندیده باشد اما مسائلی را که وکیل و قاضی روبرو میشوند با آنچه عالم اجتماع میفهمد فرق دارند .

چنانکه گفته شد بقرض اینکه قانون بگوید که مسئولیت مطلق فقط در مورد آنهایی مجری است که دست بعملیات فوق‌العاده خطرناك میزنند و بقیه میبایست تسامح داشته باشند تا مسئول شوند .

راجع بتسامح بعد از این بحث خواهد شد اما کیست که باید تسامح را ثابت کند آیا وجود خسارت برمدعی کافی است و بعد مدعی علیه باید عدم تسامح خود را ثابت کند و یا مدعی میبایست هم وجود خسارت را ثابت کند و هم وجود تسامح را از طرف مدعی علیه .

بعبارت اخری بار اثبات تسامح را کی باید بردارد آیا مدعی و یا باید مدعی علیه عدم تسامح را از طرف خود با دلایل مثبت روشن و مدلل کند .

این مسئله مربوط است بآئین دادرسی اما آثار آن برماهیت مسئولیت فوق‌العاده سنگین است .

اگر مدعی فقط وجود خسارت را ثابت کند و بعد مدعی علیه ناچار شود عدم تسامح را ثابت کند تا از ذمه غرامت بری شود خود یکنوع مسئولیت مطلق ایجاد شد .

### مسئولیت حقوقی

اما اگر مدعی ناچار شود هم وجود خسارت را ثابت کند و هم وجود تسامح را در مدعی علیه آنوقت بار مدعی سنگین میشود.

بهرحال اینطور بنظر میرسد که رویه بهتر اینست که مدعی باید هم خسارت را ثابت کند و هم وجود تسامح را در مدعی علیه یعنی انصراف براین است که شخصی مطابق قانون و با احتیاط عمل میکنند اگر مدعی غیر از این میدانند باید در محکمه ثابت کند تا ذمه غرامت بر مدعی علیه محرز شود.

### دوم - تسامح :

قاعده قبل از هرگونه ذکر مفصل یا مختصر در اطراف تسامح میباشد شمه در اطراف مسئولیت حقوقی خلائهای عمدی گفته شود.

مثلاً تصور کنیم کسی بدیگری در خیابان تنه میزند یا کشیده بگوش او میزند یا فحش میدهد یا عمداً تغییرحالتی در احوال او ایجاد میکند. اما چون بحث در اطراف تسامح دارای اهمیت بیشتری است و این مقاله را ناچار باید باختصار گذارند از ذکر مباحث تعدد صرفنظر میشود و وارد قسمت تسامح نمیشویم.

در شروع کلام بهتر است که یک مسئله باختصار گفته شود و بطور قطع دیگر بآن رجوع نشود و آن مسئله خسارت است. اشخاصی در عملیات خود در زندگی روزانه ممکن است انواع واقسام رویه های مختلف پیش بگیرند. ممکن است فوق العاده ملاحظه کار و دقیق باشند و ممکن است در کار خود بسیار بی دقت باشند و تسامحه کاری کنند.

اگر شخصی نخواست جواب براسله رقیب خود را بدهد بر او حرجی نیست و یا اگر خواست صبح و ظهر بخواهد مسئول زندگی خود است و هیچکس حق ندارد بر او اعتراض کند. مگر از نظر عمومی این عملیات جرم شناخته شده باشند.

تسامح بخودی خود دلیل مسئولیت حقوقی نمیتواند بود ولی اگر تسامح شخص موجب خسارت دیگری شد آنوقت مسئول است و باید غرامت بدهد.

خسارت لازمه وجود مسئولیت حقوقی است. کسیکه بمعکمه برود و بگوید راننده کامیون در راندن تسامح کرده و بنا براین باید غرامت بدهد از محکمه بیرون پرتاب میشود اما اگر بگوید در اثر تسامح راننده اتومبیل منم خسارت دیده ام آنوقت ممکن است غرامت وصول کند و دعوی او مسموع است.

با ذکر این مقدمه میتوان بمسائل مربوطه بتسامح پرداخت و بعداً مختصری در باره خسارتی که موجب دریافت غرامت میشود ذکر خواهد شد :

رویه این نویسنده ناچیز این است که حتی المقدور از تعریفات یکجمله و دو جمله اجتناب کند. مفهوم تسامح که در اثر آن مسئولیت حقوقی ایجاد میشود مفهوم فوق العاده کشدار و پیچیده است و با تعریف و توصیف در اطراف آن نمیتوان بمعنی آن وارد شد باید اول چند مثال زد تا قدری ذهن خواننده روشن شود :

## مسئله حقوقی

تصور کنیم پنج عدد اتوبوس شرکت اتوبوسرانی تهران در مقابل درب گاراژ شرکت قرار گرفته اند و راننده های آنها در پائین مشغول گرفتن دستور میباشند ناگهان یکی از اتوبوسها بعلت شیب خیابان بحرکت میافتد و شخصیکه بین دو اتوبوس ایستاده بود مجروح میکند. آیا اینجا تسامحی وجود داشته و اگر وجود داشته از جانب کی بوده است.

در همین مثال تصور کنیم که شوfer اتوبوس ترمز دستی را نکشیده بود و اتوبوس را نیز در دنده نگذاشته بود و همچنین تصور کنیم ترمز دستی را کشیده بود ولی ترمز دستی کار نمیکرد. بعد تصور کنیم سنگی زیر چرخ گذاشته بود ولی سنگ کوچک بوده یا شخص ناشناسی سنگ را رد کرده است. یا اینکه شخص مجروح برای تماشا در بین اتوبوسها رفته بوده و یا برای انجام کاری مثل برداشتن کلاه خود و یا شاگرد شوfer بوده و برای بازدید عقب اتوبوس مشغول کاری و یا اینکه دزد بوده و برای دزدی از صندوق عقب اتوبوس عبور کرده بود.

اینهمه وجوه مختلف یکمسئله است که بدانیم آیا تسامح شده و اگر شده از جانب کی و غیر از مسئله تسامح البته مسائل مهمی مطرح شده مثلاً آیا هرکسی خسارت ببیند حق غرامت را دارد یا عده مخصوص بهر حال چنانچه ملاحظه میشود جواب مطلق و مسلم بمسئله تسامح در مثال کوچک فوق نمیتوان داد.

مسئله قدری پیچیده تر میشود اگر تمام فرضیات فوق را تصور کنیم با یک تفاوت و آن این است که اتوبوسها در خیابان نبودند بلکه در داخل گاراژ شرکت بودند آیا نوع و درجه تسامح برای محل کار شرکت در گاراژ خود یا محل های دیگر عمومی یا غیر آن یکی است و نسبت به تمام اشخاص یکسان است.

این نویسنده ناچیز جوابی برای این سؤالات ندارد و سؤالات هم واهی نیستند. هر روز امثال این مسائل پیش میآید و ما ندیده میگیریم اما درحینیکه جواب معین برای این سؤالات در فکر این نویسنده نیست بلکه بتوان مسائل مطرحه را تا حدودی تقسیم بندی کرده که در اطراف آنها بحثی مختصر نیز بشود.

۱ - اگر عامل عمل بنص صریح دستور رسمی مثل قانون یا آئین نامه و امثال آنها که موظف بوده اجراء کند اجراء نکرده .

۲ - ایجاد مخاطرات غیر از مخاطرات فوق العاده که در فوق بحث شد .

۳ - معیار و مقیاس احتیاط و یا تسامح و اشخاص مزبوره .